

دستاوردهای مطالعات ترجمه (۴)

ماریا تیموژکو و بسط حوزه مطالعات ترجمه

علیرضا خان‌جان

مقاله حاضر به اجمال مروری خواهد داشت بر آراء ماریا تیموژکو در باب بسط حوزه مطالعات ترجمه و مشخصاً در زمینه‌های ضرورت بین‌المللی‌سازی مطالعات ترجمه، مقابله با وضعیت اروپامحوری، هم‌افزایی رویکردهای نظری و روش‌شناختی مختلف، تلفیق روش‌های خرد و کلان، پرهیز از یک‌جانبه‌گرایی در مطالعات ترجمه و نیاز به آشنایی با تاریخ ترجمه و تاریخ نظریه ترجمه سخن خواهد گفت. مقاله همچنین سرمنشأ آراء فوق را در پیشینه مطالعات پسااستعماری تیموژکو در ادبیات ایرلندی ردیابی می‌کند.

پروفسور ماریا تیموژکو استاد ادبیات تطبیقی و متخصص مطالعات ترجمه، مطالعات قرون وسطی و ادبیات ایرلندی در دانشگاه آمهرست ماساچوست و صاحب کتاب‌های *اولیس ایرلندی* (۱۹۹۴)، *ترجمه در بافتی پسااستعماری* (۱۹۹۹)، *بسط ترجمه، اعطای قدرت به مترجمان* (۲۰۰۷) و *عصب‌شناسی و ترجمه* (۲۰۱۵) است. آراء و اندیشه‌های او در باب وضعیت ترجمه در دنیای استعماری و پسااستعماری، مسئله عاملیت، دخالت آگاهانه^۱ و اتخاذ موضع سیاسی فعالانه مترجم^۲ که عمدتاً برآمده از بررسی‌های عمیق او در ادوار تاریخی ترجمه در ایرلند تحت استعمار بریتانیا بوده و از داده‌کاوی‌های متعدد وی حاصل گردیده است، ما را به یاد دیدگاه‌های صاحب‌نظرانی همچون مونا بیکر و مایکل کرانین می‌اندازد. در این نوشتار البته به جزئیات این موضوعات کمابیش آشنا نخواهیم پرداخت و صرفاً پیشنهاد مؤکد تیموژکو را در «بسط» دامنه مطالعات ترجمه^۳

^۱ Translator's engagement

^۲ Translator's political activism

^۳ Enlargement of translation (studies)

به بحث خواهیم گذاشت، هرچند این پیشنهاد نیز خود تا حد زیادی متأثر از آن موضوعات بوده است. در عین حال، هر آنجایی که نگارنده احساس کند نقطه نظرات تیموژکو در فضای جاری در مطالعات ترجمه در ایران به نوعی موضوعیت دارند، نکاتی را در حاشیه به صورت پانویس خاطر نشان خواهد نمود.

ماریا تیموژکو در مقابل اروپامحوری یا غربمحوری در مطالعات ترجمه موضع می‌گیرد و با دعوت از پژوهشگران کشورهای مختلف برای مشارکت علمی، آرزو می‌کند این رشته نیز همچون ریاضیات یا فیزیک وجهه‌ای بین‌المللی پیدا کند. یکی از ابعاد «بسط» مطالعات ترجمه در دیدگاه تیموژکو همین مسئله «بین‌المللی‌سازی»^۴ است که در بخش نخست کتاب *بسط ترجمه، اعطای قدرت به مترجمان* (تیموژکو، ۲۰۰۷) مصرافاً بر آن تأکید می‌ورزد. این که نظریه‌های ترجمه عموماً از کشورهای غربی سرچشمه می‌گیرند و صداها و چندانانی از سایر کشورها به گوش نمی‌رسد در باور تیموژکو، کاستی بسیار بزرگی به شمار می‌آید. متأسفانه پژوهشگران سایر کشورها خود را به تبعیت محض از غربی‌ها، کاربرد نظریه‌های غربی و یا حداکثر ارائه شواهدی از زبان خودی در تأیید آن نظریه‌ها محدود می‌کنند و این وضعیت، همان‌طور که یانگ در مصاحبه با تیموژکو اظهار داشته است (یانگ، ۲۰۱۴: ۲۲۳)، به عدم توازن و یا مقاومت در مقابل توسعه رشته علمی مطالعات ترجمه دامن خواهد زد. تیموژکو در این رابطه با برخی از ترجمه‌پژوهان، مخصوصاً اروپایی‌ها، در حال مجادله‌ای دامنه‌دار است. او همان‌گونه که گفته شد، خواهان تغییر وضعیت اروپامحوری در مطالعات ترجمه است. وی در توضیح این وضعیت چنین می‌گوید (نقل از همان مأخذ):

«در حال حاضر، به دلیل وجود تشکیلات عریض و طویلی به نام اتحادیه اروپا، اروپایی‌ها مبالغه‌انگیزی صرف پژوهش در ترجمه می‌کنند. کمیسیون اروپا، بزرگ‌ترین استخدام‌کننده مترجمان در دنیا است و مقررات سفت و سختی در مورد نحوه انجام ترجمه وضع کرده است. در نتیجه، هم‌اکنون شاهد شکوفایی ظاهری مطالعات ترجمه در این قاره هستیم اما بسیاری از پژوهشگران ترجمه، اساساً تحقیقات خود را در راستای تأمین منافع اتحادیه اروپا به انجام می‌رسانند [از این رو، این تحقیقات را نمی‌توان در عمل «پژوهش مستقل» به شمار آورد]. پژوهانه‌های پرداختی به محققان معمولاً برای حمایت از کاربرد عملی نظریه‌ها اعطا می‌گردد و نتایج پژوهشی مطلوب نتایجی است که بتوان آن‌ها را برای بهبود کنش عملی ترجمه در

⁴ Internationalization

اتحادیه اروپا به کار بست. افرادی که در این برنامه‌های تحقیقاتی مشارکت می‌کنند بعضاً از این واقعیت غافل‌اند که ترجمه در خارج از مرزهای اتحادیه اروپا، اهداف و روش‌های بسیار متفاوتی را دنبال می‌کند، تاریخ متفاوتی دارد و مسائل و مشکلات مبتلا به آن در چین یا مثلاً ایالات متحده با اروپا بسیار متفاوت است. اروپایی‌ها به‌طور ناخودآگاه صرفاً بر کشورهای عضو اتحادیه اروپا تمرکز دارند و غالباً از سایر نقاط دنیا غافل‌اند».

این‌که فقط کار خودمان را بکنیم و به منطقه مورد علاقه خود فکر کنیم از دید تیموژکو نوعی کوتاه‌بینی علمی است. دنیای ما در رشته مطالعات ترجمه همه‌روزه تغییر می‌کند زیرا فن‌آوری همواره در حال تکامل است، منافع متقابل اقتصادی جدیدی تعریف می‌شود و اوضاع و احوال سیاسی دائماً در معرض تغییر و تحول است. تیموژکو می‌گوید که ما باید جهانی بیناندیشیم و افق دید خود را گسترش دهیم زیرا از زوایای مختلفی می‌توان به ترجمه نگریست و اگر تنها از زاویه دید زبان‌های اروپای غربی به آن بنگریم، لاجرم تنها بر گوشه‌ای از تصویر ترجمه، در ابعاد جهانی کلمه، اشراف خواهیم یافت و این در رشته‌ای که تا بدین حد متغیر و متحول است وافی به مقصود نخواهد بود. احتمالاً یکی از دلایلی که تیموژکو و برخی از همفکران او (حتی در خود اروپا) ضرورت بین‌المللی‌سازی مطالعات ترجمه را مطرح می‌سازند این است که در سالیان اخیر، مباحثی در مورد نیاز به مطالعات ترجمه چینی، روسی یا فرانسوی مطرح گردیده است. مثلاً امروزه بسیاری در چین بر این باورند که باید نظریه‌های ترجمه غربی را به کلی کنار گذاشت چرا که چین، خود از سنت و پیشینه فرهنگی بسیار اصیل و ریشه‌داری برخوردار است^۵ اما از دید تیموژکو، این طرز فکر سلبی

^۵ - در پانویس دیگری از نوشتار حاضر مسئله نیاز به ارتقاء مطالعات تاریخی ترجمه به بحث گذاشته شده است. از نظر این نگارنده، در صورت توجه به سنت تاریخی ترجمه در ایران ما نیز می‌توانیم از «مطالعات ترجمه ایرانی» سخن بگوییم. وقت آن رسیده است که از خود بپرسیم که تا چه حد با شیوه ترجمه مترجمان ایرانی صاحب‌نامی همچون عبدالله بن مقفع، عمر بن فرحان طبری و یا یعقوب بن اسحاق کندی که نقش بی‌بدیلی در نهضت ترجمه در دوره خلفای عباسی داشتند، آشنایی داریم؟ آیا هیچ‌گاه در تفاوت احتمالی کار مترجمان ایرانی که در بیت‌الحکمه یا در جندی‌شاپور از فارسی یا به فارسی ترجمه می‌کردند، غور کرده‌ایم؟ آیا بر ظرایف زبانی و سبکی و ابتکارات مترجمان بزرگی همچون نصرالله منشی در ترجمه کلیله و دمنه، ابوعلی محمد بن محمد بلعمی در ترجمه تاریخ طبری یا رشیدالدین فضل‌الله میبیدی در ترجمه قرآن مجید اشراف داریم؟ آیا می‌دانیم که بسیاری از راهبردهای پیشنهادی مطالعات ترجمه در دنیای معاصر عملاً در ادوار تاریخی ترجمه در ایران به کار رفته‌اند و غفلت تاریخی ما مصداق بارز «آن‌چه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد» بوده است؟

آن چنان که به نظر می‌آید واقع‌بینانه نیست؛ آن‌ها عملاً درخواهند یافت که در ترجمه بین زبان چینی و زبان‌های غربی سنت‌های فرهنگی چین به تنهایی کفایت نخواهند کرد. از این رو، تیموژکو معتقد است که باید سنت‌های فرهنگی مختلف را آموخت تا بتوان به درک بهتری از نظریه و عمل ترجمه نایل آمد. به عنوان نمونه، برخی در چین بر این باورند که دوگانی‌های ترجمه‌ای از قبیل ترجمه لفظ‌گرا در مقابل ترجمه آزاد و یا بومی‌گرایی در مقابل آشنایی‌زدایی در همه موقعیت‌ها کارایی ندارند. تیموژکو می‌گوید فرض من آن است که اگر شما بخواهید از چینی به انگلیسی ترجمه کنید، دوگانی‌های ترجمه‌ای می‌توانند مفید فایده باشند چون به شما می‌گویند که چه چیزی احتمالاً از نظر خوانندگان انگلیسی‌زبان قابل قبول است. دوگانی‌ها دو شیوه متمایز برای دستیابی به متنی مقبول و باورپذیر برای خواننده مقصد در اختیار مترجم می‌گذارند. در عین حال، اگر مترجم در مواجهه با دستورالعمل‌ها و گزینه‌های مناسب مخاطب مقصد کاملاً دست‌بسته عمل کند، در آن صورت احتمالاً به‌طور کامل مبهوت و مرعوب اروپامحوری خواهد گردید. از این رو، پیشنهاد مشخص تیموژکو این است که در حین ترجمه، مترجم به تناوب بین حوزه‌های فرهنگی مبدأ و مقصد آمد و شد داشته باشد تا بتواند در نهایت توازنی منطقی در این تعامل دوجانبه ایجاد کند. تیموژکو، البته، بر این واقعیت اذعان دارد که در عمل، قضیه به این سادگی نیست و نظریه ترجمه هنوز از پاسخ به بسیاری از پرسش‌ها کماکان ناتوان است. وی می‌گوید نباید از خاطر برد که رشته مطالعات ترجمه بسیار جوان است و پنجاه یا شصت سال بیشتر قدمت ندارد و قرار نیست برای همه مسائل پیش رو، پاسخ‌های حاضر و آماده داشته باشد. تیموژکو معتقد است که مطالعات ترجمه نیز همچون ادبیات، رشته‌ای است بی‌انتها و از این رو، بر این باور است که این رشته در آینده همچنان به رشد خود ادامه داده و پیچیده‌تر و پیچیده‌تر خواهد شد تا پاسخ‌های بیشتری برای مسائل مبتلا به ترجمه پیدا کند و این دقیقاً یکی از ابعاد «بسط مطالعات ترجمه» از دیدگاه اوست. از نظر او، مطالعات ترجمه زمانی می‌تواند مبدل به دانشی فراگیر و جهان‌شمول همچون ریاضیات یا فیزیک گردد که حصارهای اطراف خود را بشکند؛ زمانی که پژوهشگران ترجمه اولاً علائق و منافع متفاوت خود را کنار بگذارند و به مسائل مشترک بپردازند و ثانیاً به اجماع برسند که از

زوایای دید متفاوت و گوناگونی می‌توان به ترجمه نگرینست و زاویه دید انتخابی آن‌ها لزوماً بهترین و کامل‌ترین تصویر ممکن را از ترجمه به دست نمی‌دهد.^۶ از نظر تیموژکو، هیچ‌یک از رویکردهایی را که در دوره‌ای از تاریخ مطالعات ترجمه رویکرد غالب به شمار می‌آمده‌اند و با ظهور رهیافت بعدی به حاشیه رفته‌اند، نمی‌باید از یاد برد و از دستاوردهای آن بی‌بهره ماند؛ در غیر این صورت، در دام تقلیل‌گرایی فزاینده گرفتار خواهیم آمد. رویکرد زبان‌شناختی و متنی، چرخش فرهنگی، رهیافت سیاسی، چرخش جامعه‌شناختی و رویکردهای دیگر جملگی می‌توانند کماکان ثمربخش باشند. مطالعات ترجمه باید از هم‌افزایی این رویکردهای گوناگون بهره‌گیرند نه این‌که یکی را به تمامی جایگزین دیگری سازد. وی می‌گوید: «فکر نمی‌کنم که ارزش رهیافت‌های زبان‌شناختی و متنی برای کسانی که درگیر مسائل عملی ترجمه هستند، تقلیل یافته باشد؛ این رویکرد همیشه حضور دارد اما آشنایی با ابعاد فرهنگی ترجمه و همچنین جنبه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی ترجمه نه تنها برای پژوهشگران بلکه حتی برای مترجمان حائز اهمیت خواهد بود» (نقل از یانگ، ۲۰۱۴: ۲۲۳). بدین ترتیب، در رابطه با هم‌افزایی رویکردهای مختلف در مطالعات ترجمه، تیموژکو بر این باور است که دسترسی به تصویری هر چه جامع‌تر از ترجمه مستلزم آن است که از زوایای

^۶ - این نگارنده با ایده امکان دست‌یابی به دانش جهان‌شمول مطالعات ترجمه به‌طور کامل موافق نیست. تجربه سایر علوم انسانی و اجتماعی همچون اقتصاد، مبین تفاوت ذاتی این علوم با علوم پایه و طبیعی است. مسئله آن است که عوامل انسانی و اجتماعی دخیل در این علوم به عنوان متغیرهای مزاحم عمل می‌کنند و نتایج کاربرد یافته‌های علمی را در جوامع مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهند. در حوزه اقتصاد، در دهه‌های گذشته عمل به توصیه‌های سیاستی سازمان‌های دست‌اندرکار بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته به نتایج مطلوبی منتهی نشد. از استیگلیتز، اقتصاددان معروف و برنده جایزه نوبل، نقل شده است که «وقتی می‌شنیدم کارشناسان بانک جهانی به چین اعزام شده‌اند، چهار ستون بدنم می‌لرزید». امروز اما در اقتصاد به این نتیجه رسیده‌اند که اقتصاد به‌اصطلاح جهان‌شمول اقتصاد صرفاً تخته‌سیاهی است و برای اعمال موفقیت‌آمیز یافته‌های دانش اقتصاد در جوامع مختلف، الزاماً باید متغیرهای رفتاری و نهادی خاص آن جوامع (مثلاً نهادهای اخلاق، مذهب، سنت، عرف و نظایر آن‌ها) را نیز مد نظر قرار داد. به نظر این نگارنده، جنبه‌های همگانی (و به‌اصطلاح جهان‌شمول) مطالعات ترجمه را صرفاً می‌توان در سطح کلان مطرح کرد اما هرگز نباید از تحلیل‌های زبان‌ویژه یا فرهنگ‌ویژه در سطوح خرد جوامع مختلف غفلت ورزید. شایان ذکر آن‌که تیموژکو خود چندین بار (مثلاً در تیموژکو، ۲۰۰۷: ۲۰۲ و تیموژکو، ۲۰۰۴) تصریح نموده است که در «تعمیم» [یافته‌ها] می‌باید ویژگی‌های خاص تاریخی و ابعاد منحصربه‌فرد داده‌های مورد بررسی را نیز همواره مد نظر قرار داد.

مختلفی به این پدیده نگریسته شود چراکه اگر از چند دریچهٔ مختلف به سوژه‌ای واحد بنگریم، طبیعتاً چشم‌انداز کامل‌تری از آن به دست خواهیم آورد. تیموژکو می‌گوید آنچه بعد از جنگ جهانی دوم در حوزهٔ مطالعات ترجمه بدان نایل آمده‌ایم این است که ترجمه برخلاف تصور، نه تنها امر ساده‌ای نیست بلکه اتفاقاً فرآیند بسیار پیچیده‌ای است (نقل از یانگ، ۲۰۱۴: ۲۲۳) که تبیین ابعاد مختلف آن مستلزم ژرف‌نگری است. از این رو، باید مردم عادی را که سهواً و از روی عادت، ترجمه را تنها نوعی انتقال زبانی محض تلقی می‌کنند، توجیه کرد و به آن‌ها نشان داد که ترجمه از حد گزینش صرف واژه‌ها فراتر می‌رود و با بین‌المللی‌گرایی، تکتیر، عدالت اجتماعی و نظایر آن‌ها سروکار می‌یابد.

یکی از وجوه تمایز تیموژکو آن است که وی حتی در قبال بسیاری از موضوعاتی که دیگران به انفعال و به اجماع می‌پذیرند، موضعی انتقادی می‌گیرد و یک پرسش‌گر همیشگی است. جالب آن‌که او در بیان دیدگاه‌های متضاد با نظرات دیگران به هیچ روی جانب مسامحه یا مصلحت‌اندیشی نگه نمی‌دارد. گروهی از پژوهشگران ترجمه که تیموژکو با عنوان «ستیزه‌جو» از آن‌ها یاد می‌کند، در آغاز قرن بیست و یکم به ناگهان در صحنهٔ مطالعات ترجمه ظاهر شدند و به ارائهٔ تصویری کلان از ترجمه مشتمل بر پرسش‌های سیاسی و ایدئولوژیکی و پرسش‌های مربوط به مطالعات فرهنگی علاقه نشان دادند. برخی از این محققان پیشنهاد می‌کردند که این موضوعات در کانون واقعی مطالعات ترجمه قرار دارند و مصرّاً ادعا داشتند که دورهٔ زبان‌شناسی و تحلیل‌های متنی خُرد به سر آمده است. در مقابل، تیموژکو در بحبوحهٔ منازعهٔ علمی طرفداران دو رویکرد زبان‌شناختی و فرهنگی، مقاله‌ای را با عنوان «ارتباط دو نظم نامتناهی: روش‌های تحقیق در مطالعات ترجمه» (تیموژکو، ۲۰۰۲) در همایش طرفداران رویکرد فرهنگی ارائه نمود و به شیوه‌ای مستدل نشان داد که هر دو رویکرد خُردگرا و کلان‌نگر در مطالعات ترجمه مورد نیازند و حضور یکی به معنای نفی دیگری نیست. وی در آن مقاله می‌گوید: «تصور کنید که کسانی در دورهٔ گالیله می‌گفتند که باید تنها از تلسکوپ استفاده کرد و میکروسکوپ به هیچ دردی نمی‌خورد یا برعکس. [طبیعتاً، امروز] این اظهارات از دید ما مضحک و بی‌معنی است؛ [اما] این [دقیقاً] وضعیتی است که این روزها در مطالعات ترجمه شاهد آن هستیم» (همان). بدین ترتیب، تیموژکو نشان داد که آن دیدگاه افراطی امروزه دیگر [به لحاظ علمی] محلی از اعراب ندارد و

تحلیل‌های خرد و کلان هر یک می‌توانند پاسخ برخی از پرسش‌ها را در مورد ترجمه فراهم آورند. تیموژکو می‌گوید بعد از آن سخنرانی، دیگر از کسی نشنیدم که «باید زبان‌شناسی را کنار بگذاریم» یا این‌که «مطالعات ترجمه واقعی آن چیزی است که در مطالعات فرهنگی یا در پژوهش‌های سیاسی پیرامون ترجمه گفته می‌شود» (نقل از یانگ، ۲۰۱۴: ۲۲۳).^۷

یکی از ابعاد تقلیل‌گرایی در رشته ترجمه از منظر تیموژکو، اکتفا به مواد درسی اندک و بی‌اعتنایی به نیازهای آموزشی واقعی است. بسیاری از مسئولان گروه‌های آموزشی ترجمه در دانشگاه‌ها گمان می‌کنند که مطالعات ترجمه باید صرفاً به آموزش عملی ترجمه منحصر گردد و موضوعاتی همچون تاریخ ترجمه و ابعاد سیاسی و ایدئولوژیکی ترجمه را باید در برنامه سایر گروه‌ها مثلاً گروه تاریخ یا نظایر آن به بحث گذاشت. وی تصریح می‌کند که ما به آموزش علوم طبیعی به مدرسان ترجمه نیاز داریم زیرا در کمال تأسف در حوزه مطالعات ترجمه به حد کافی با ایده نظریه‌پردازی و نحوه پیشبرد گفتمان جدلی و اقناعی آشنا نیستیم. به اعتقاد تیموژکو، اگر در موضوعاتی همچون ریاضیات، روش تحقیق علمی، آزمایشات تجربی و نظایر آن‌ها آموزش بیشتری ببینیم، مجموعه شسته و رفته‌تری از گفتمان انتزاعی در دست خواهیم داشت. تیموژکو

^۷ - این جزمی‌نگری و تقلیل‌گرایی در کمال تأسف همچنان در ایران موضوعیت دارد. دوستانی که طرفدار رویکردهای کلان‌نگر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هستند به ندرت بر اهمیت تحلیل‌های متنی خرد صحنه می‌گذارند و به حدی در اتخاذ این دیدگاه اصرار می‌ورزند که در کمال تعجب، بسیاری از آن‌ها به مرور زمان قابلیت تحلیل داده در سطوح خرد را از دست می‌دهند. در مقابل، کسانی که کماکان از دیدگاه قدیمی تر متنی و زبان‌شناختی تبعیت می‌کنند، به ندرت حاضرند از مرزهای محدود متن خارج شوند و در عمل، تا حد زیادی از تأثیر عوامل کلان فرهنگی، جامعه‌شناختی یا ایدئولوژیکی غافل می‌مانند و افق دیدشان متأسفانه در همان سطح محدود باقی می‌ماند و این در حالی است که خود آن‌ها نیز عملاً بر این واقعیت نظری اشراف دارند که متن ماهیتاً خودبسنده نیست و تأویل متن عموماً منوط به ملاحظه عوامل برون‌متنی است. نکته عجیب آن که هر دو گروه حتی زمانی که از سر اتفاق یا از سر نیاز بخشی از شیوه تحلیلی اردوگاه رقیب را به خدمت می‌گیرند، باز در مقام نظر، آن شیوه‌های بدیل را نفی می‌کنند. در نتیجه، صاحب‌نظرانی که رهیافتی تلفیقی مشتمل بر کلان‌نگری و خردگرایی توأمان در پیش بگیرند، در ایران امروز انگشت‌شمارند. تعارض واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که شما ترجمه را عمدتاً از دیدگاهی خردگرا در سطح زبان‌شناختی و متنی به نوآموز ترجمه آموزش می‌دهید (چون اساساً چاره‌ای جز این ندارید) و بعد، ناگهان در مقاطع تحصیلات تکمیلی به همان دانشجو می‌گویید همه آن آموخته‌های قبلی را کنار بگذار؛ پژوهش و تحلیل ترجمه صرفاً از دیدگاهی کلان میسر است و بس و دانشجوی بیچاره متحیر می‌ماند که مگر آموزش و پژوهش ترجمه به دو دنیای تا این حد مجزا و متفاوت تعلق دارند!

اظهار تأسف می‌کند که در رشته مطالعات ترجمه هنوز گاهی اوقات در اطراف و اکناف دنیا افرادی سمت‌های دانشگاهی بسیار مهم را اشغال می‌کنند که حتی مقاله کلاسیک هولمز، «نام و موضع معرفتی حوزه مطالعات ترجمه» (هولمز، ۱۹۷۸)، را که نزدیک به پنج دهه از عمر آن می‌گذرد، نخوانده‌اند و همچنان گمان می‌برند که فرآیند ترجمه صرفاً یک فرآیند زبانی محض است.

از نظر تیموژکو، بخشی از این تقلیل‌گرایی ناشی از عدم آشنایی با تاریخ ترجمه است. تیموژکو (نقل از یانگ، ۲۰۱۴: ۲۲۵) دیدگاه ساختارشکنان را شدیداً به باد انتقاد می‌گیرد و می‌گوید آن‌ها به پدیده ترجمه علاقه‌ای ندارند بلکه می‌خواهند بدانند که چگونه می‌توان ترجمه را برای درک ادبیات به کار گرفت و حال آن‌که من ترجمه‌شناس، برعکس، ادبیات را برای فهم ترجمه به خدمت می‌گیرم. تیموژکو در ادامه می‌گوید ساختارشکنان به ندرت از اشخاصی همچون کُواین، یاکوبسن، لِفُور، اِون ژَهَر یا نقش‌گرایان آلمانی مطلبی نقل می‌کنند [به این دلیل ساده که با تاریخ مطالعات ترجمه آشنا نیستند] و در عوض، مکرر در مکرر به مقاله والتر بنیامین [«ووظیفه مترجم»] ارجاع می‌دهند و [از آنجایی که صرفاً از ظن خود یار ترجمه شده‌اند و با سیر تطور نظریه ترجمه آشنایی ندارند] عمدتاً قرائت درستی از همان تک مقاله نیز به دست نمی‌دهند.^۱

^۱ - در کمال تأسف، انتقادی که تیموژکو به عنوان یکی از مصادیق تقلیل‌گرایی در گروه‌های دانشگاهی مطالعات ترجمه و نیز در برخی نحله‌های ترجمه‌شناسی وارد می‌کند، دقیقاً در ایران نیز موضوعیت دارد. ما توجه چندانی به تاریخ ترجمه نداشته‌ایم و کتاب تاریخ ترجمه آقای آذرنگ را شاید بتوان یکی از نخستین و معدود گام‌های جدی در زمینه تاریخ‌نگاری ترجمه در ایران تلقی کرد. ما نه تنها در زمینه نگارش تاریخ‌های تحلیلی ترجمه از منظر آکادمیک تجربه چندانی نداریم بلکه حتی در حوزه واقعه‌نگاری ترجمه نیز بسیار تازه‌کاریم. در عین حال، خبر خوب و امیدوارکننده آن است که به تازگی برخی از گروه‌های دانشگاهی دانشجویان تحصیلات تکمیلی خود را به سمت مطالعات تاریخی ترجمه سوق داده و این نیاز مبرم را به درستی تشخیص داده‌اند اما تا جایی که این نگارنده اطلاع یافته است، این پایان‌نامه‌های دانشگاهی عموماً منحصر به واقعه‌نگاری‌های تاریخی بوده‌اند و از نگارش تاریخ‌های تحلیلی ترجمه فعلاً خبری نیست. نکته دیگر آن‌که فقدان دیدگاه تاریخی منحصر به تاریخ ترجمه نیست و به حوزه تاریخ نظریه ترجمه نیز قابل تسری است. از آنجایی که تعداد دروس دانشگاهی با موضوع نظریه ترجمه در کل دوره کارشناسی تا دکترای ترجمه، در کمال تأسف و تعجب، به تعداد انگشت‌های یک دست هم نمی‌رسد، مجال چندانی برای ممارست در مطالعه تاریخی نظریه‌های ترجمه و بررسی سیر تطور و تکامل نظریه ترجمه در دانشگاه‌های ما به دست نمی‌آید. هگل می‌گوید «آن‌که تاریخ نداند، تا ابد کودک می‌ماند».

نقد دیگری که تیموژکو بر ساختارشکن‌ها و به‌طور ضمنی بر نحله‌های دیگری که صرفاً در سطح کلان، ترجمه را مورد مطالعه قرار می‌دهند، وارد می‌کند آن است که آن‌ها هیچ‌گاه سخنی از فرآیند عملی ترجمه بر زبان نمی‌آورند و حال آن‌که، علی‌القاعده، ترجمه در نهایت با گزینش واژه‌ها و آرایش آن واژه‌ها در جمله و با تولید متن از ترکیب آن جمله‌ها سر و کار می‌یابد و به تبع آن، مطالعات ترجمه نیز ناگزیر مستلزم خردگرایی خواهد بود. بدین ترتیب، کلان‌نگری صرف در روش‌شناسی برخی مکاتب و نحله‌های ترجمه‌شناسی یکی دیگر از مصادیق تقلیل‌گرایی است و تیموژکو مؤکداً از ضرورت «بسط» این مکاتب و تلفیق خردگرایی و کلان‌نگری در شیوه‌های تحلیل ترجمه سخن می‌گوید و بر این باور است که پژوهشگران ترجمه می‌باید موازنه‌ای منطقی بین پژوهش‌های کلان و خرد ترجمه برقرار نمایند.

از آن‌چه پیش‌تر در بحث ضرورت بین‌المللی‌سازی مطالعات ترجمه و اهمیت دیدگاه تاریخی در این رشته علمی گفته شد، می‌توان به این نتیجه رسید که ایده «بسط مطالعات ترجمه» در اساس ناظر بر لزوم گسترش دامنه مطالعات ترجمه از حیث زمان و مکان است و این بی‌تردید ریشه در تجربه قبلی تیموژکو در مطالعات ترجمه پسااستعماری داشته است. تیموژکو خود از سیمون و سن پیر (۲۰۰۰: ۱۳) نقل قول می‌کند که مطالعات ترجمه پسااستعماری با گسترش خود نقشه مطالعات ترجمه^۹ بسط حوزه مطالعات ترجمه را آغاز کرد و آن را فراتر از مرزهای اروپامحوری و گفتمان‌های غالب درباره ترجمه تعمیم داد. وی (تیموژکو، ۲۰۰۷: ۱۹۲) تأکید دارد که مطالعات ترجمه پسااستعماری رویکردی پساپوزیتیویستی در پیش گرفت و در موجودیت یک زاویه دید یکه و یگانه، عینی، صحیح، غالب و امپریالیستی تشکیک کرد. تفاوت این رویکرد در مطالعه عاملیت در ترجمه با سایر رویکردها در «تکنرگرای» رویکرد پسااستعماری و «تفرد» آن رویکردهای دیگر است. آن رویکردهای دیگر صرفاً یک فرهنگ واحد را مطالعه کرده‌اند، مثلاً ونوتی ایالات متحده را مد نظر داشته است یا بالفرض آنتوان برمن پیش‌فرض‌هایی خاص فرهنگ فرانسوی را منظور نظر داشته است اما مطالعات ترجمه پسااستعماری مجموعه متنوعی از فرهنگ‌های گوناگون اعم از

ما نیز اگر تاریخ مطالعات ترجمه را نخوانیم و نشناسیم، هرگز به رشد و بلوغ علمی در این رشته نایل نخواهیم شد.

^۹ - منظور نقشه هولمز است.

فرهنگ‌های استعمارگر و فرهنگ‌های استعمارشده را مورد بررسی قرار داده است. شیوه کار تیموژکو (مثلاً در تیموژکو، ۱۹۹۹) این بود که داده‌های ترجمه‌ای را در بافت تاریخی و فرهنگی به‌خصوصی مثلاً در ایرلند مطالعه می‌کرد و متعاقباً سعی در تعمیم نتایج خود داشت. او نشان می‌داد که مترجمان ایرلندی در طول تاریخ همواره عاملیت خود را در کارشان تأثیر می‌داده‌اند و در راستای مقاومت تاریخی آحاد ملت ایرلند در مقابل امپریالیسم بریتانیا تا حد زیادی در این بافت فرهنگی حضور مرئی داشته‌اند. بدین ترتیب، بخشی از یافته‌های مطالعات تیموژکو در زمینه ترجمه در ایرلند مثلاً یافته‌های مربوط به اخلاق، ایدئولوژی و عاملیت در ترجمه به کل جوامع تحت استعمار و به‌طور کلی به همه جوامعی که با معضل عدم تقارن قدرت سیاسی و فرهنگی مواجه‌اند تسری می‌یافت و این نتایج عموماً در تعارض با یافته‌های فرمایشی مطالعات ترجمه اروپامحور بود. به عبارت دیگر، نتایج مطالعات ترجمه پسااستعماری در ایرلند و سایر جوامع تحت استعمار مفروضات پیشین درباره ترجمه را به چالش می‌کشید و دیدگاه‌های متفاوتی درمورد اخلاق و ایدئولوژی و حدود اختیارات مترجم مطرح می‌ساخت.

به‌واقع، الگوهای غالب و متعارف ترجمه فرض را بر این می‌گذاشتند که مترجم باید با زبان‌ها و فرهنگ‌های مبدأ و مقصد آشنایی داشته باشد اما ترجمه در محیط‌های پسااستعماری در اعتبار چنین فرضی تشکیک می‌کند و نشان می‌دهد که کار مترجم، علاوه بر آن، دارای بُعد معرفت‌شناختی بنیادین و مهم دیگری نیز هست که در کانون عاملیت مترجم واقع می‌گردد و نوعی انعطاف اخلاقی متمایز را رقم می‌زند (تیموژکو، ۲۰۰۷: ۱۹۷). منظور از این جمله آن است که ترجمه صرفاً بازتاب دانش موجود نیست بلکه از معرفت پیشی می‌گیرد و معرفت را می‌آفریند؛ ترجمه عبارت است از حالتی از کشف و شهود در مترجم که برای آفرینش، ایجاد یا انباشت دانش به کار گرفته می‌شود و ممکن است توأم با انتشار آگاهانه و اشاعه فعالانه دانش پنهان و سرکوب‌شده نیز باشد (همان). از نظر تیموژکو، در ایفای تمامی این نقش‌ها، ترجمه جنبه سیاسی برجسته‌ای می‌یابد و مثلاً، با هدف اعمال سلطه، کارکرد جاسوسی و گردآوری اطلاعات به خود می‌گیرد یا برعکس، کارکرد ضدجاسوسی، مقاومت و طغیان پیدا می‌کند (همان). طبیعتاً این دو کارکرد با کارکردهایی که عرفاً و به‌طور سنتی از ترجمه

تعدادل محور انتظار می‌رود نسبت چندانی ندارند و به احتمال زیاد محصولات متنی متفاوتی از ترجمه‌های وفادار به دست خواهند داد.

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد ایده «بسط مطالعات ترجمه» در آراء تیموژکو به تدریج از ایده اولیه «بسط ترجمه» (یا «بسط متن مقصد») که در مطالعات پسااستعماری آن را نتیجه اعمال عاملیت ناگزیر و اجتناب‌ناپذیر مترجم می‌دانند، حاصل گردیده است. الگوهای غالب، ترجمه را شکلی از وساطت بین دو جامعه یک‌زبانه تصور می‌کنند اما تیموژکو معتقد است که تکرر زبانی و التقاط فرهنگی^{۱۰} موجود در بیشتر بافت‌های پسااستعماری اعتبار چنین پیش‌فرضی را به زیر سؤال می‌برد. وی می‌گوید ترجمه صرفاً دیدار میان «خود» و «دیگری» در حضور [توأم با انفعال] عنصر واسطی به نام «مترجم» نیست بلکه اغلب راهی است برای این‌که فرهنگ‌ها و ملت‌های متباین و ناهمگن خود را تعریف کنند، خویشتن خویش را بازشناسند و نوعی هویت ملی برای خود خلق نمایند (همان: ۱۹۸-۱۹۷). مترجمان غالباً چنین گفتمان‌هایی را رقم می‌زنند و به صورت بالقوه در تمامی این زمینه‌ها نقش فعال دارند؛ نقشی به نیابت^{۱۱} [از کل جامعه] که در هر صورت، دارای بار اخلاقی و ایدئولوژیکی [متمایزی] نیز هست (همان: ۱۹۸).

گفتیم که تیموژکو از رویکردی پساپوزیتیویستی به ترجمه می‌نگرد. به طور کلی، مطالعات ترجمه پسااستعماری این واقعیت را مفروض می‌دارد که ترجمه‌ها الزاماً یک‌شکل و یک‌دست نیستند و مصرأ پیشنهاد و تأکید می‌کند که مترجمان در عوض پذیرش دیدگاه مسلط و غالب غربی که ترجمه را انتقال پیامی نزدیک به پیام متن مبدأ تلقی می‌کند، مفهومی بسط‌یافته از متن مقصد را مد نظر قرار دهند که محصولات متنی دیگری همچون بازگویی، اقتباس، تلخیص و نظایر آن‌ها را نیز در برگیرد. تیموژکو می‌گوید تعاریف محدود ترجمه در خدمت تأمین منافع قدرت قرار می‌گیرند و اعتبار محصولات متنی غیرترجمه‌ای را که چالشی برای قدرت به شمار می‌آیند، به رسمیت نمی‌شناسند؛ حال آن‌که ترجمه در محیط‌های استعماری و پسااستعماری عموماً در عمل با جرح و تعدیل متن مبدأ صورت می‌گیرد چه با هدف اعمال کنترل استعماری و چه در راستای مقاومت در برابر استعمار (تیموژکو، ۲۰۰۷: ۱۹۸). به واقع، مطالعات ترجمه پسااستعماری مبین آن است که در بسیاری موارد، ترجمه نه تنها «متن» بلکه نوعی

^{۱۰} Cultural hybridity

^{۱۱} Empowered role

«کنش» است. در این رویکرد، پابندی به متن مبدأ در وضعیت عدم تقارن قدرت سیاسی و فرهنگی اهمیتی ندارد و دارای اولویت بالایی نیست. به سخن دیگر، تیموژکو و سایر صاحب‌نظران مطالعات ترجمه‌پسااستعماری، جنبه‌های مهمی از عاملیت بالقوه مترجم را آشکار می‌سازند و نشان می‌دهند که مترجم ممکن است در جایگاه یک فعال سیاسی اثرگذار، به عنوان کارگزاری که به نیابت از جامعه در راستای تحول اجتماعی گام برمی‌دارد، نقش‌های فرهنگی کاملاً مرئی و بارزی را بر عهده بگیرد. بدین ترتیب، نقشی که تیموژکو برای عاملیت مترجم در نظر می‌گیرد، تعاریف آشنا و قراردادی ترجمه را به زیر سؤال می‌برد، مرزهای متعارف ترجمه، در تعبیر سنتی کلمه، را بر هم می‌زند و بر ضرورت تعیین حدود و ثغور گونه‌های جدیدی از فعالیت‌ها و محصولات ترجمه‌ای صحه می‌گذارد.^{۱۲}

به‌طور خلاصه، در نوشتار حاضر از ایده بسط مطالعات ترجمه در آراء ماریا تیموژکو سخن گفتیم. مقاله را با مطالبی در باب ضرورت بین‌المللی‌سازی مطالعات ترجمه و تلاش‌های تیموژکو برای مقابله با وضعیت اروپامحوری آغاز کردیم. سپس، از نیاز به اتخاذ دیدگاه‌های التقاطی به منظور هم‌افزایی رویکردهای نظری و روش‌شناختی مختلف در مطالعات ترجمه سخن گفتیم و به‌طور ضمنی بر دیدگاه تیموژکو در مورد ضرورت تلفیق شیوه‌های مطالعاتی خرد و کلان صحه گذاشتیم. موضوع گسترش

^{۱۲} - این نگارنده موافق این گزاره همیشگی در آراء تیموژکو است که مطالعات ترجمه نمی‌تواند و نباید از اهمیت اشکال مختلف بازآفرینی مثل اقتباس، تلخیص و دگرگفت غفلت کند زیرا اولاً درونداد آن محصولات متنی به نوعی با ترجمه سروکار می‌یابد و ثانیاً تولیدکنندگان آن‌ها معمولاً نتیجه کار خود را در زمره ترجمه قرار می‌دهند. در عین حال، به اعتقاد من برای گنجاندن این محصولات در دامنه شمول مطالعات ترجمه نیازی نیست که الزاماً آن‌ها را، آن‌گونه که تیموژکو پیشنهاد می‌دهد، ترجمه بنامیم. مثلاً پژوهشگر ترجمه ممکن است یک متن اقتباسی را تحلیل کند تا دریابد که چرا اساساً باید آن را اقتباس نامید و نه ترجمه یا مثلاً دگرگفت، یا دریابد که آن متن در چه حد و به چه شکلی از رابطه تعادلی فاصله گرفته است و این فاصله چه پیامدهای معنایی، کاربردشناختی، فرهنگی یا ایدئولوژیکی داشته است. به عبارت دیگر، می‌توان مطالعات ترجمه را رشته‌ای دانست که به مطالعه ترجمه و هر نوع فعالیت یا محصول متنی دیگری می‌پردازد که به نحوی از انحاء با ترجمه سروکار می‌یابد. بدین ترتیب، این نگارنده با پیشنهاد بسط مطالعات ترجمه در کلیت آن (جز ایده امکان نیل به دانش جهان‌شمول مطالعات ترجمه) موافق است اما با پیشنهاد بسط ترجمه از طریق بازتعریف آن برای دربرگرفتن محصولات متنی غیرترجمه‌ای (به دلیل ایجاد تشتت نظری در تعریف سوژه‌ای یکپارچه برای رشته مطالعات ترجمه، به خاطر صبغه اخلاقی موضوع و به دلایل متعدد دیگر) چندان موافق نیست.

برنامه‌های آموزش مترجمان و مدرسان ترجمه و نیاز به گنجاندن موضوعاتی همچون تاریخ ترجمه، سیاست ترجمه و مطالعات فرهنگی در کنار دروسی همچون ریاضیات، علوم طبیعی و روش تحقیق تجربی، یکی دیگر از مباحثی بود که از منظر تیموژکو به بحث گذاشتیم و به‌طور مشخص، بر انتقادات وی بر رویکردهای صرفاً کلان‌نگر از نظر عدم آشنایی با تاریخ ترجمه و تاریخ نظریه ترجمه و نیز یک‌جانبه‌گرایی آن‌ها تأکید نمودیم. و در نهایت، مقاله را با ردیابی سرمنشأ ایده بسط مطالعات ترجمه در مطالعات پسااستعماری و پیشینه مطالعاتی خود خانم تیموژکو در این نحله روش‌شناختی به پایان رساندیم.

کتابنامه

- Holmes, James S. (1978/1988b/2004), "The name and nature of translation studies", in Lawrence Venuti (ed.) (2004), *The Translation Studies Reader*, 2nd edition, pp. 180–92.
- Simon, Sherry & Paul St-Pierre (eds.) (2000). *Changing the Terms: Translating in the Postcolonial Era*. Ottawa: University of Ottawa Press.
- Tymoczko, Maria (1994). *The Irish Ulysses*. Berkeley, Los Angeles & London: University of California Press.
- Tymoczko, Maria (1999). *Translation in a Postcolonial Context: Early Irish Literature in English Translation*. Manchester: St. Jerome.
- Tymoczko, Maria (2002), "Connecting the two infinite orders: Research methods in translation studies", in Theo Hermans (ed.), *Crosscultural Transgressions: Research Models in Translation Studies II: Historical and Ideological Issues*. Manchester: St. Jerome. pp. 9-25.
- Tymoczko, Maria (2004), "Difference in similarity", in Stefano Arduini & Robert Hodgson (eds.) (2004), *Similarity and Difference in Translation*, Jr. Rimini: Guaraldi, pp. 27-43.
- Tymoczko, Maria (2007). *Enlarging Translation, Empowering Translators*. Manchester: St. Jerome.
- Tymoczko, Maria (2015). *Neuroscience and Translation*. London: Routledge.

Yong, Wendi (2014), “Enlarging translation and enlightening the field: An interview with professor Maria Tymoczko”, *Asia Pacific Translation and International Studies*, 1(3): 222-230.
